سؤال مهم : چرا با وجود اینکه مذهب حرف واحد بوده، شیعه همه قرائات را می خوانند؟

در منتهی المطلب در سه کتاب از این کتاب علامه، مسأله قرائات مطرح شده است. یکی در کتاب الطهاره، دیگری در کتاب الصلاة است و دیگری در کتاب حج است. عبارت کتاب الحج را در فدکیه آوردهام. در منتهی قدیمی دو جلدی که من دارم در جلد اول، کتاب الطهاره، صفحه ۱۱۷ است. در نرمافزار ببینید ای در فدکیه ببینید که از کتاب الطهاره آوردهام.

علامه در صفحه ۱۱۷ عبارتی دارند که ذهنیت ایشان و سائر علماء را روشن میکند. یاداتان هست که من دو سؤال مهم را در فرمایش شیخ الطائفه در مقدمه تبیان مطرح کردم. یکی این بود چطور است که شیخ فرمودند مذهب الامامیه –مذهب اصحابنا- این است که قرآن نزل بحرف واحد، غیر انهم اجمعوا؟! اجماع عملی شیعه است، آن هم نه فقط در غیبت کبری. همانطوری که آقای حکیم فرمودند، اجماع عملی مستمر از زمان معصومین است. حتی وحید بهبهانی هم که تعدد را قبول ندارند، تحقق این تواتر را بهمعنای اینکه در زمان معصومین بوده و بی محابا همه، این قرائات را میخواندند و در خواندن آن مجاز بودند را قبول دارند. حال که به این صورت است، در اینجا سؤال این است که اگر مذهب اهلبیت این است که حرف واحد است، چرا نزد عموم شیعه حداقل یک بازتابی در رفتارشان نداشته است؟ به گمان من سؤال مهمی است. وقتی مذهب این است که حرف واحد است، اما درعینحال این همه مختلف میخوانند و هیچ بازتابی هم در عملشان ندارد. چطور میشود که اینها را جمع کنیم؟ و حال اینکه در کمتر از اینها بازتابی داشته است. کم ترش چیست؟ جهر بسم الله حتما مستحب است و شعار شیعه شده که بلند بخوانیم. اگر بسم الله را نخوانیم نمازمان باطل است. آخر بسم الله در قرائات مختلف است. اگر نخواندی باطل است. «ضحی» و «الم نشرح» را باید با هم بخوانید. خیلی موارد از قرائات داریم که – در فقه مطرح شده و در فدکیه هم برای آن عنوان گذاشتهام- در بین شیعه بازتاب داشته اما سر تعیین یک قرائت بازتاب نداشته است. آقای حکیم فرمودند. خب امام فرمودند «نحن نقرأ علی قرائة ابی»، اما هیچ بازتابی نداشته است. یعنی یک جا نمیبینیم یک شیعه بگوید که ما بر قرائت ابی مواظبت میکنیم. ابدا!

اتفاقا کاملًا بین آنها اختیار بوده است. خود شیخ فرمودند. این سؤال مهم است که چرا مذهب حرف واحد است اما در عمل بازتابی ندارد؟ به تعبیری مرحوم آقای خوئی یک روایت ضعیف هم نداریم که سؤال کنند.

سؤال دوم؛ شیخ الطائفه فرمودند مذهب حرف واحد است، صاحب حدائق در قرن دوازدهم فرمودند کلام شیخ صریح در ادعای اجماع اصحابنا است، چرا قبل از صاحب حدائق یک نفر به شیخ نسبت ندادند که ایشان منکر این هستند؟! این هم سؤال مهمی بود. اتفاقا چرا آنها برعکسش را میگویند. الآن میخواهم از محقق اردبیلی بخوانم. قطب راوندی چه فرمودند؟ زیاد عرض کردم. فرمودند: علی مذهب اصحابنا وقتی دو قرائت ثابت شد، کالآیتین است و یجب العمل بهما. حتی سه تا را هم گفتهاند؛ گفتهاند که سه قرائت ثابت داریم که یجب العمل بهم. من اینها را قبلًا عرض کرده

بودم. این قطب راوندی بود؛ قبلی ابن شهر آشوب بودند. الآن هم میخواهم از عبارت علامه حلی بخوانم. چون این کتاب در دستم هست، میخواهم مقدمه کنم برای آنها.

بازبینی #2
ایجاد شده 23 آوریل 2024 15:18:20 توسط ... .
به روزرسانی شده 30 مه 2024 11:47:51 توسط ... .